

تعاون و کشاورزی، سال چهارم، شماره ۱۴، تابستان ۱۳۹۴

موانع و راهکارهای فعال سازی تعاونی های مرزنشین استان کرمانشاه

حسین حیدری^{۱*}، امیرحسین علی بیگی^۲، اکرم بینائیان^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۹/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۲/۱۹

چکیده

هدف اصلی این تحقیق توصیفی - اکتشافی، بررسی موانع و شناسایی بهترین راه حل ها برای تعاونی های مرزنشین استان کرمانشاه است. جامعه آماری پژوهش را مدیران عامل و اعضای هیئت مدیره این تعاونی ها تشکیل می دهند (N=۱۱۵). روش نمونه گیری تصادفی ساده بود که تعداد ۸۵ نفر با استفاده از جدول کرجسی و مورگان انتخاب شدند. ابزار اصلی جمع آوری داده ها پرسش نامه محقق ساخته بود که روایی آن توسط استادان دانشگاه و متخصصان تعاونی و پایایی آن نیز با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ تأیید گردید. برای استخراج موانع تعاونی ها از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. برپایه نتایج تحقیق، عوامل گوناگونی به نام های موانع دولتی-حمایتی، مدیریتی، آموزشی، اجتماعی - اقتصادی و مهارتی- تخصصی استخراج شدند. فراهم کردن زیرساخت های مناسب و بالا بردن سهمیه ارزی مرزنشینان و آزادی عمل بیشتر در واردات و صادرات از جمله راهکارهای مهم فعال سازی این تعاونی ها می باشند.

واژه های کلیدی: توسعه، تعاونی های مرزنشین، صادرات و واردات، کرمانشاه

۱. دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه رازی کرمانشاه

E-mail: Hosseynhaidary65@yahoo.com

* نویسنده مسئول

۲. دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه رازی کرمانشاه

۳. دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه رازی کرمانشاه

مقدمه

انسان از آغاز پیدایش زندگی اجتماعی، با یاری جستن از مشارکت و تعاون موفق به استمرار حیات و غلبه بر موانع رشد خود شده است. در آغاز، این رویکرد بشر ساده می‌نمود، اما با گذشت زمان و گسترش ابعاد اقتصادی و اجتماعی زندگی، جلوه‌ای پیچیده به خود گرفت. در عصر حاضر نیز بر گستره، اشکال و کارکردهای تعاون بیش از پیش افزوده شده است.

مقصود اصلی از زندگی مبتنی بر تعاون دستیابی انسان‌های ذی نفع و مشارکت‌کننده به رفاه اجتماعی با بهره‌گیری از رفاه اقتصادی است؛ به دیگر سخن، در این نوع زندگی، انسان محور همه امور است و بنای این زندگی بر وجود نوعی ارتباط متقابل و متعامل پویا و منطقی میان خود مردم و نیز بین مردم و محیط استوار است که در همکاری و مشارکت، نمودهای آن جلوه عینی می‌یابد. در قلمروی رخدادهای اقتصادی، قالب و تشکیلات سازمانی این همکاری "شرکت‌های تعاونی" نام گرفته است (ابراهیمی، ۱۳۸۴). از سوی دیگر، از گذشته‌های بسیار دور، ساکنان مناطق مرزی به مثابه گروهی متمایز از دیگر عوامل بازرگانی خارجی مطرح بوده‌اند. آثار اجتماعی، سیاسی، امنیتی و اقتصادی این گروه بر مناطق مرزی و در نتیجه، آثار آن بر کل کشور را می‌توان از دلایل این تمایز دانست. چنان‌که شواهد نشان می‌دهد، هرگاه تسهیلات مربوط به این مناطق کاهش یافته و فعالیت بازرگانی در قالب مبادلات مرزی رونق خود را از دست داده است، پدیده‌های مهاجرت، قاچاق و گرایش به تجارت غیر رسمی افزایش یافته است (آذری و همکاران، ۱۳۸۸). ناامنی‌های مناطق مرزی، قاچاق کالا، پایین بودن سطح توسعه در استان‌های مرزی و به تبع آن استان‌های مرزی همسایگان شرقی و غربی و نیاز مبرم به ثبات جمعیت مناطق مرزی، لزوم فعالیت‌های تجاری در مرزها را افزایش داده است. از دیگر سو، شکل‌گیری قطب‌های توسعه در مرکز کشور نباید توجه دولتمردان و برنامه‌ریزان چه در سطح ملی و چه در سطح منطقه‌ای را از نواحی پیرامونی، به ویژه نواحی مرزی غرب کشور، باز دارد. وجود ناامنی در این مرزها با توجه به تاریخچه ناامنی در کشور عراق، همگرایی قومیت‌ها در دو طرف مرز و اهمیت استراتژیک منطقه، خود بحث گسترده و توجه ویژه‌ای به منطقه را می‌طلبد. از طرفی، در کشورهای گوناگون، دولتمردان از ادوار گذشته به این فکر افتاده‌اند که چگونه مرزنشینان نواحی مرز دریایی،

آبی و زمینی را از مزیت هایی برخوردار نمایند تا به عنوان مرزبانان غیر رسمی در مرزها با دلگرمی و آرامش بیشتر ماندگار شوند و زندگی نمایند، چرا که اولین تعارض دشمنان خارجی در مرزها متوجه زندگی، دارایی و جامعه مرزنشینان است. در بیشتر ممالک جهان از آمریکای شمالی گرفته تا کشورهای بزرگ و کوچک حوزه دریای کارائیب و آمریکای لاتین، خاورمیانه، آسیای جنوب شرقی و خاور دور، همه جا بیشترین نوع فعالیت ها در مناطق مرزی به فعالیت های غیر مجاز از جمله قاچاق انواع کالا و فرار از قوانین و مقررات جاری در کشور اختصاص دارد (امینی، ۱۳۷۷).

در ایران تعاونی های مرزی ابتدا در استان بوشهر و سپس در استان های هرمزگان، سیستان و بلوچستان، فارس و خوزستان شکل گرفتند. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و خروج استان های شمالی کشور از بن بست و نیز بعد از پایان جنگ تحمیلی و برقراری آرامش و ثبات در افغانستان، رفته رفته شکل گیری تعاونی های مرزنشینان در سایر استان های مرزی کشور نیز آغاز شد (آذری و همکاران، ۱۳۸۸).

به طور کلی، عمده ترین اهداف شکل گیری شرکت های تعاونی مرزنشینان را در ابعاد اقتصادی و اجتماعی می توان به شرح زیر بیان نمود:

بهره گیری مناسب تر از مبادلات مرزی برای اعمال سیاست توسط دولت، جهت دهی به فعالیت مرزنشینان از قاچاق کالا به سمت تجارت سالم، امکان تأمین مناسب مواد غذایی و کالاهای ضروری در مناطق مرزی، تسهیل در عرضه مایحتاج مورد نیاز به مناطق دورافتاده و مرزی، پیشگیری از مهاجرت و توقف تخلیه جمعیتی این مناطق، بهبود وضع معیشتی مردم از طریق تأمین درآمد برای آنان، استفاده مرزنشینان از مزایای قانون مبادلات مرزی، تجمع تشکل مرزنشینان و تعاملات درون منطقه ای، مبارزه با تورم و گرانی مواد غذایی به دلیل کمبودهای عرضه این مواد در این مناطق، تنوع بخشی به درآمد افراد و کاهش آسیب پذیری آن ها از وابستگی به کشاورزی یا دامداری، تقویت اعتماد افراد منطقه نسبت به دولت جمهوری اسلامی و خنثی شدن تبلیغات

سوء بیگانگان و ایجاد روحیه تعاون و همکاری بین جمعیت‌های اقلیت در مناطق مرزی و همگرایی ملی (وزیر، ۱۳۸۷).

از مطالعه روند شکل‌گیری مبادلات مرزی و ارائه تسهیلات مربوط به مرزنشینان چنین بر می‌آید که در گذشته، علت اصلی برقراری تسهیلات واردات و صادرات برای ساکنان مرزی نوعی حمایت در راستای جلوگیری از تخلیه جمعیتی این مناطق و پیشگیری از پیامدهای نامطلوب آن بوده است (آذری و همکاران، ۱۳۸۸). اینک با توجه به اهمیت اهداف شکل‌گیری تعاونی‌های مرزنشینان و گذشت مدتی مناسب از زمان تأسیس آن‌ها در استان کرمانشاه و همچنین کارکرد این شرکت‌ها در شرایط هم‌جواری این استان با کشور عراق و وجود مرزهای طولانی، انجام پژوهشی در خصوص شناسایی مشکلات این تعاونی‌ها و فعال‌سازی آن‌ها می‌تواند نقش مؤثری در توسعه استان داشته باشد.

در حال حاضر در استان کرمانشاه ۳۶ شرکت تعاونی مرزنشین وجود دارد که ۶ تعاونی از آن‌ها به صورت غیر فعال هستند و تعداد ۳۰ تعاونی نیز فعال می‌باشند و به انجام مبادلات مرزی می‌پردازند (گزارش اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان کرمانشاه، ۱۳۹۲). لذا شناسایی موانع و ارائه راهکارهای فعال‌سازی تعاونی‌های مرزنشین استان جهت افزایش واردات و صادرات و در کنار آن توسعه این منطقه ضرورت دارد. بنابراین، هدف از انجام این پژوهش بررسی موانع و راهکارهای فعال‌سازی تعاونی‌های مرزنشین استان کرمانشاه می‌باشد.

پیشینه تحقیق

تاکنون در زمینه شناسایی مشکلات تعاونی‌های مرزنشین در استان کرمانشاه مطالعه‌ای صورت نگرفته است، اما در داخل و خارج کشور مطالعات پراکنده‌ای در این باره انجام پذیرفته که در ادامه به بررسی آن‌ها پرداخته شده است.

جمعه پور و طالبی (۱۳۹۰: ۶۵) در تحقیقی با عنوان «بررسی نقش تعاونی‌های مرزنشین در توسعه مناطق مرزی خراسان جنوبی» با استفاده از روش‌های کمی و کیفی و آزمون فرضیه‌ها

نشان دادند که تعاونی‌های مرزنشین مورد بررسی با وجود دخالت عوامل جانبی مانند خشکسالی طولانی مدت در منطقه، بر کاهش مهاجرت، افزایش درآمد و رفاه اقتصادی و توسعه تأثیر مثبتی داشته و فرضیه های پژوهش مورد تأیید قرار گرفته اند. در تحلیل کیفی با استفاده از روش برنامه‌ریزی استراتژیک سوات (SWTO) پیشنهادهایی برای افزایش کارایی تعاونی ها ارائه شده است که سرمایه‌گذاری بیشتر دولت و کاهش محدودیت های قانونی و کارکردی تعاونی ها از جمله موارد مورد تأکید است.

هوشمند و حسن نژاد (۱۳۸۹) در مطالعه ای با «عنوان بررسی نگرش اعضای شرکت های تعاونی مرزنشین در زمینه عملکرد این تعاونی‌ها» نشان دادند که میزان رضایتمندی اعضای شرکت های تعاونی مرزنشینان از شاخص های اقتصادی در مقایسه با سایر ابعاد عملکردی آن ها در سطح پایین تری قرار گرفته است. این در حالی است که بیشترین میزان رضایتمندی مربوط به عملکرد مدیریتی این شرکت ها می باشد.

آذری و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «سنجش رضایتمندی از فعالیت شرکت های تعاونی مرزنشینان استان خراسان رضوی» نشان دادند که در عمل، عملکرد اقتصادی این تعاونی ها در میزان تأثیرگذاری بر اقتصاد خانوار چندان موفقیت آمیز نبوده و در مجموع، در مقایسه با سایر موارد و کارکردها، با رضایتمندی کمتر اعضای تعاونی ها همراه شده است.

ابراهیم زاده و بریمانی (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان «تحلیلی بر تعاونی های مرزنشینان و جایگاه ساختاری و عملکردی آن در سیستان و بلوچستان» نتیجه گرفتند که به منظور توسعه فعالیت و افزایش نقش تعاونی های مرزنشینان در بازرگانی کشور، مهم‌ترین گام برنامه ریزی و سیاست گذاری های لازم به منظور ایجاد تحول ساختاری در این تعاونی ها و سوق دادن آن به تولیدی شدن، به جای توزیعی بودن صرف می باشد. این مهم ضمن ایجاد اشتغال بیشتر، حرکتی مهم در جهت صادرات تعاونی های مرزنشین نیز خواهد بود. کارکردهایی از قبیل افزایش سقف ارز تخصیصی، بهبود روش ها، ثبات و پایداری قوانین و مقررات، کاهش عوارض و مالیات،

حذف دیوانسالاری و ایجاد هماهنگی میان سازمان‌ها می‌تواند به پایداری ساختار و عملکرد اقتصادی - تجاری تعاونی‌های مرزنشینان و ارتقای جایگاه آن در بازرگانی خارجی منجر گردد.

در ادامه در برخی از پژوهش‌های انجام شده در داخل کشور، بیان شده است که در تعاونی‌ها اعضا نقش مهمی در تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری و تعیین راهبردها دارند و بنابراین، جلب مشارکت اعضا و تقویت روحیه تعاون و همکاری در میان آن‌ها تأثیر فراوانی در موفقیت تعاونی‌ها دارد (سلیم، ۱۳۷۱؛ نظام شهیدی، ۱۳۷۸؛ نامغ، ۱۳۸۴). همچنین چنان‌که در پژوهش‌های قبلی نیز نشان داده شده است، علاوه بر نیروی انسانی، عوامل درون سازمانی دیگری که بر موفقیت تعاونی‌ها تأثیر بسزایی دارند شامل عوامل مالی، مدیریتی، مشارکت، همکاری و رعایت پایبندی اعضا به اصول می‌باشند. شعبانعلی فمی (۱۳۸۵) نیز مهم‌ترین عامل در موفقیت یک تعاونی را دسترسی به سرمایه مورد نیاز و سازوکار تأمین مالی می‌داند.

برخی از مطالعات خارجی نیز نشان داده‌اند مسائل متعددی در موفقیت یا شکست تعاونی‌ها دخالت دارند. برای مثال هاکیلوس (Hakelius, 1996) اشاره کرده بخش اصلی هر تعاونی، اعضای آن هستند و مشارکت و وفاداری آن‌ها به تعاونی در موفقیت تعاونی‌ها نقش اساسی دارد. بروکینگز (Brookings, 2009) افزایش فهم عمومی، گسترش اطلاعات و آموزش و پرورش سهامداران تعاونی‌ها و توانمندسازی آنان را از طریق تلاش متقابل و تعاونی میسر دانست.

پژوهش بویان (Bhuyan, 2007) نشان داد که حضور فعال و رضایت مردم از تعاونی‌ها نمی‌تواند در طولانی مدت باقی بماند. وی همچنین ابراز داشت شناخت دقیق از نگرش و رفتار اعضا برای موفقیت تعاونی‌ها ضروری است.

تحقیق آنال و همکاران (Unal et al., 2009) در ترکیه نشان داد که مسائل مالی، آموزشی و قانونی عوامل اصلی عدم موفقیت تعاونی‌ها در این کشورند. وی به علاوه نشان داد که انگیزه اعضا برای موفقیت ضروری است. همچنین نیورو و ایساک (Nyoro & Isaac, 2005) نیز

در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که دسترسی به اعتبارات و وام های بانکی از عوامل مؤثر بر موفقیت تعاونی ها می باشند.

بنتوراکي (Benturaki, 2000) سیاست های مداخله گرانه دولت، تخلف و تجاوز از اصول اساسی تعاون، قوانین غیرپیشرفته تعاونی، عدم استقلال و خودمختاری، نبود دموکراسی، عدم توانمندسازی اعضا و فقدان ساختار سازمانی کارآمد را از علل عدم موفقیت تعاونی های تانزانیا عنوان می کند. وی موفقیت تعاونی های تانزانیا را منوط به ایجاد تحول در وضعیت رهبری و اصلاح نقش دولت در تعاونی ها می داند و معتقد است با اصلاح در رهبری تعاونی ها و اتحادیه های آن ها، کارایی افزایش می یابد که خود شرط موفقیت در توسعه اقتصادی و اجتماعی است. همچنین وی نقش دولت، وضع قوانین پیشرفته مربوط به تعاونی ها، آموزش اعضا و رهبران تعاونی و ترویج تعاونی و برنامه های مشارکت مردمی در تعاونی ها را از عوامل مؤثر بر موفقیت تعاونی ها می داند.

کلسی (Kelsey, 2008) معتقد است برگزاری کارگاه های آموزشی به منظور ارتقای دانش شغلی تعاونی ها بخشی از حرفه است که پیامد آن افزایش مهارت ها و خودکارآمدی است و می توان آن را به نردبان توسعه تشبیه کرد. همچنین اردمن و کوآتس (Erdman & Coates, 2005) نیز نشان دادند که کسب آموزش های مورد نیاز در زمینه کار و ارتقای دانش و مهارت شغلی اعضا از مهم ترین عوامل مؤثر بر موفقیت تعاونی ها به شمار می آیند.

با توجه به مطالب پیش گفته و مطالعات انجام شده در خصوص عنوان پژوهش، مشخص گردید که بیشتر موانع تعاونی ها مربوط به عواملی مانند آموزش مدیران و اعضای تعاونی ها، مشکلات اقتصادی تعاونی ها، و مشکلات دولتی، قانونی و مدیریتی آن ها می باشد. با توجه به اینکه در استان کرمانشاه ۳۰ تعاونی مرزنشین فعال وجود دارد و هر کدام از این تعاونی ها مشکلات خاص خود را دارند، تا کنون مطالعه ای برای شناسایی این مشکلات و ارائه راهکار انجام نگرفته است؛ اما در پژوهش حاضر، با توجه به اهمیت موضوع، به شناسایی مشکلات تعاونی های مرزنشین این استان پرداخته شد. جهت نیل به این هدف، اهداف اختصاصی زیر دنبال شد:

- بررسی ویژگی های فردی مدیرعامل و اعضای هیئت مدیره تعاونی های مرزنشین استان کرمانشاه؛
- شناسایی موانع موجود در تعاونی های مرزنشین استان کرمانشاه؛
- ارائه راهکار لازم جهت برطرف کردن موانع موجود در تعاونی های مرزنشین استان کرمانشاه.

روش تحقیق

روش این تحقیق از لحاظ پارادایم کمی و از نظر هدف کاربردی است و به لحاظ روش های دستیابی به حقایق و داده پردازی، از نوع تحقیقات توصیفی-پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش را مدیران عامل و اعضای هیئت مدیره ۳۰ تعاونی مرزنشین استان کرمانشاه تشکیل دادند (N= ۱۱۵). پس از تهیه فهرست تعاونی های مرزنشین، که تعداد آن ها ۳۰ تعاونی فعال در سطح شهرستان های پاوه، جوانرود، ثلاث باباجانی، سرپل ذهاب، قصرشیرین و گیلان غرب بود، به صورت تصادفی در هر شهرستان تعدادی از این تعاونی ها انتخاب شدند و مدیر عامل و اعضای هیئت مدیره این تعاونی ها، که ۸۵ نفر بودند، به عنوان نمونه های پژوهش مشخص شدند. برای مشخص کردن حجم نمونه های پژوهش از جدول کرجسی مورگان استفاده گردید. بر این اساس تعداد ۸۵ نمونه تعیین شد. به این ترتیب، می توان گفت نمونه انتخاب شده معرف جامعه آماری خواهد بود و تعمیم یافته ها از نظر علمی بدون ایراد است.

ابزار اصلی گردآوری اطلاعات از دو بخش اسنادی و میدانی تشکیل شده است که در بخش اسنادی، شامل: بررسی تحقیقات انجام شده در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، اسناد و منابع کتابخانه ای و در بخش میدانی تحقیق، پرسش نامه شامل سه قسمت بود: ویژگی های فردی، موانع تعاونی ها و راهکارهای فعال سازی این تعاونی ها. به منظور اطمینان از روایی (Validity) ظاهری و محتوایی پرسش نامه، این ابزار در اختیار اعضای هیئت علمی و کارشناسان اداره تعاون و تعاونی های مرزنشین قرار داده شد. پس از مطالعه عمیق سؤالات و گویه های پرسش نامه، نظرات اصلاحی اعلام و اصلاحات ضروری انجام شد. به منظور برآورد پایایی (Reliability) پرسش نامه از آزمون آلفای کرونباخ استفاده گردید. ضریب این آزمون برای قسمت موانع تعاونی های مرزنشین

برابر با ۰/۹۰ و برای راهکارهای فعال سازی تعاونی‌ها برابر با ۰/۹۵ به دست آمد که نشان از پایا بودن ابزار تحقیق دارد. محاسبات آماری پژوهش نیز با استفاده از نرم افزار SPSS انجام گردید و برای استخراج موانع تعاونی‌ها از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد.

نتایج و بحث

به منظور بررسی اطلاعات توصیفی (ویژگی‌های شخصی) نمونه مورد بررسی، فراوانی و درصد متغیرها در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱. ویژگی‌های فردی مدیرعامل و اعضای هیئت مدیره مورد مطالعه تعاونی‌های مرزنشین

مشخصات	طبقات	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
سن	۲۰-۳۰ سال	۲۱	۲۴/۷	۲۴/۷
	۳۰-۴۰ سال	۴۱	۴۸/۲	۷۲/۹
	۴۰-۵۰ سال	۱۵	۱۷/۶	۹۰/۶
	۵۰ سال به بالا	۸	۹/۴	۰/۱۰۰
تحصیلات	سیکل	۹	۱۰/۶	۱۰/۶
	دیپلم	۳۴	۴۰/۰	۵۰/۶
	فوق دیپلم	۹	۱۰/۶	۶۱/۲
	لیسانس	۳۰	۳۵/۳	۹۶/۵
	فوق لیسانس و بالاتر	۳	۳/۵	۰/۱۰۰
سمت	مدیرعامل	۲۴	۳۲/۰	۳۲/۰
	عضو هیئت مدیره	۵۱	۶۸/۰	۰/۱۰۰
شهرستان	پاوه	۲۹	۳۴/۱	۳۴/۱
	جوانرود	۶	۷/۱	۴۱/۲
	سرپل ذهاب	۲۱	۲۴/۷	۶۵/۹
	ثلاث باباجانی	۱۲	۱۳/۹	۷۹/۸
	گیلان غرب	۱۳	۱۵/۳	۹۴/۱
	قصر شیرین	۴	۴/۹	۰/۱۰۰
	رشته تحصیلی	مرتبط	۳	۳/۵
غیر مرتبط	۸۲	۹۶/۵	۰/۱۰۰	

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج ویژگی‌های شخصی افراد نشان داد که سن بیشتر افراد مورد مطالعه بین ۳۰ تا ۴۰ سال (۴۸/۲ درصد) و تحصیلات بیشتر آن‌ها دیپلم (۴۰ درصد) است. همچنین ۶۸ درصد از افراد مورد مطالعه عضو هیئت مدیره تعاونی‌ها و ۳۲ درصد افراد هم مدیرعامل می‌باشند. از ۸۵ نمونه تحقیق بیشترین آن یعنی ۲۹ نمونه از شهرستان پاره‌اند. نتایج آمار توصیفی همچنین مشخص کرد که رشته تحصیلی بیشتر افراد غیر مرتبط (۹۶/۵ درصد) و فقط سه نفر از نمونه‌ها رشته تحصیلی‌شان به نوعی مرتبط با تعاونی است. در کل با توجه به نتایج بخش توصیفی پژوهش می‌توان گفت که بیشتر افراد مورد مطالعه میانسال هستند و تحصیلات بیشتر آن‌ها دیپلم و رشته تحصیلی آن‌ها غیر مرتبط با تعاونی می‌باشد، لذا با این وضعیت مدیریت تعاونی‌های مرزنشین دچار مشکل خواهد شد. دارا بودن سطح تحصیلات بالا در مدیریت و اداره شرکت تعاونی بسیار مهم است، زیرا به هیئت مدیره و مدیرعامل این امکان را می‌دهد که قوانین و اصول تعاون را مطالعه و از بحث قوانین، آیین‌نامه‌ها، روش‌ها و فنون مدیریت و ارتباط با سازمان‌های دیگر آگاهی کسب کنند.

تحلیل موانع مؤثر در تعاونی‌های مرزنشین استان کرمانشاه

تحلیل عاملی نامی عمومی است که برای برخی از روش‌های آماری چندمتغیره با هدف اصلی خلاصه کردن داده‌ها و ایجاد سهولت در تعداد آزمون‌ها و ابزارهای اندازه‌گیری انجام می‌شود. به این منظور، آزمون بارتلت و ضریب KMO برای موانع تعاونی‌های مرزنشین محاسبه گردید (جدول ۲).

جدول ۲. مقدار ضریب KMO و آزمون بارتلت موانع تعاونی‌های مرزنشین

مقدار	آماره
۶۱/۷	KMO
۳/۰۰۳	آزمون بارتلت
۰/۰۰۰	سطح معنی داری

منبع: یافته‌های تحقیق

ضریب KMO (جدول ۳) برای موانع تعاونی های مرزنشین برابر با ۶۱/۷ و سطح معنی داری آزمون بارتلت برابر با ۰/۰۰۰ به دست آمد که نشان می دهد داده ها برای استفاده از تحلیل عاملی مناسب هستند.

در ادامه، عامل های زمینه ای استخراج شده به همراه مقدار ویژه، درصد واریانس و درصد واریانس تجمعی شان در جدول ۳ ارائه شده اند.

جدول ۳. مقدار ویژه و درصد واریانس تبیین شده مربوط به موانع تعاونی های مرزنشین

عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس مقدار ویژه	فراوانی تجمعی درصد واریانس
عامل اول: موانع دولتی - حمایتی	۹/۵۵	۲۵/۱۳	۲۵/۱۳
عامل دوم: موانع مدیریتی	۶/۱۶	۱۶/۲۲	۴۱/۳۶
عامل سوم: موانع آموزشی	۳/۰۲	۷/۹۷	۴۹/۳۳
عامل چهارم: موانع اجتماعی - اقتصادی	۲/۳۶	۶/۲۱	۵۵/۵۵
عامل پنجم: موانع مهارتی - تخصصی	۲/۱۲	۵/۵۸	۶۱/۱۳

منبع: یافته های پژوهش

طبق نتایج تحلیل عاملی عوامل موانع تعاونی های مرزنشین، ۵ عامل مهم و تأثیرگذار استخراج و شناسایی شدند (جدول ۳). در این باره، عامل موانع دولتی به تنهایی ۲۵/۱۳ درصد از تغییرات واریانس کل عوامل موانع تعاونی های مرزنشین را تبیین می کند و در اولویت اول قرار دارد. در این عامل ۱۲ متغیر با بار عاملی بیش از ۰/۵ ایفای نقش می کنند که عبارتند: از عدم حمایت های دولتی از تعاونی های مرزنشین؛ تحمیل انبوهی از بدهی ها و جرائم گمرکی سنوات گذشته بر تعاونی؛ پرداخت بخش عظیمی از سرمایه های تعاونی بابت بدهی های مالیاتی و گمرکی سنوات گذشته؛ عدم معافیت مالیاتی بیشتر کالاهای سودآور برای واردات توسط تعاونی که باعث شده است تعاونی فقط به واردات برنج، که معافیت کامل دارند، اقدام کند؛ کمبود زیرساخت های لازم توسعه در منطقه از قبیل گمرک و راه آهن؛ سهمیه پایین مرزنشینان برای

مبادلات مرزی؛ عدم همکاری دستگاه‌های دولتی ذیربط در رفع مشکلات تعاونی؛ قواعد و مقررات دست و پاگیر برای فعالیت‌های مرزنشینان در بخش‌های گوناگون؛ وجود سقف محدود جهت ارزش تخصیصی به تعاونی؛ وجود محدودیت جهت ارقام وارداتی در تعاونی؛ وجود محدودیت جهت ارقام صادراتی در تعاونی؛ وجود دیوان سالاری برای واردات و صادرات در تعاونی (جدول ۴). این موارد در حقیقت توان صادرات و واردات تعاونی‌های مرزنشین را کاهش داده و لذا باید دولت حمایت بیشتری از تعاونی‌های مرزنشین در این زمینه به عمل آورد.

عامل دوم مانع مدیریتی است که ۱۶/۲۲ درصد از تغییرات واریانس کل موانع تعاونی‌های مرزنشین را تبیین می‌کند. در این عامل ۷ متغیر با بار عاملی بیش از ۰/۵ درصد ایفای نقش می‌کنند که عبارت‌اند از: نبود نظم و انضباط کاری در تعاونی؛ عدم برگزاری منظم جلسات هیئت مدیره (فوق العاده) تعاونی؛ ضعف مدیران و سلیقه‌ای برخورد کردن آن‌ها در فعالیت تعاونی‌ها؛ مسئولیت ناپذیری هیئت مدیره تعاونی؛ عدم اقدام مدیر تعاونی نسبت به صدور برگه سهام برای اعضای خود و ایجاد دلسردی برای ادامه فعالیت در مرزنشینان؛ برگزار نشدن به موقع مجامع عمومی سالانه در تعاونی بدون توجه به اساسنامه؛ مسئولیت ناپذیری مدیر عامل.

مانع آموزشی ۷/۹۷ درصد از تغییرات واریانس کل را تبیین می‌کند و در اولویت سوم موانع تعاونی‌های مرزنشین قرار می‌گیرد. در این عامل ۵ متغیر با بار عاملی بیش از ۹۰/۵ درصد ایفای نقش می‌کنند که عبارت‌اند از: عدم آموزش‌های لازم مستمر و سالانه مدیران تعاونی در خصوص قوانین و مقررات مربوط به فعالیت‌های صادرات و واردات توسط دستگاه‌های اجرایی ذیربط، پایین بودن سطح سواد مدیر تعاونی؛ پایین بودن سطح سواد اعضای هیئت مدیره تعاونی؛ بی‌اطلاعی اعضای تعاونی از قوانین و مقررات تعاونی؛ عدم اطلاع مدیر تعاونی از قوانین و مقررات تعاونی.

مانع اجتماعی-اقتصادی ۶/۲۱ درصد از تغییرات واریانس کل عوامل مشکلات تعاونی‌های مرزنشین استان کرمانشاه را تبیین می‌کند و در اولویت چهارم قرار دارد. در این عامل ۶ متغیر با بار عاملی بالای ۰/۵ درصد ایفای نقش می‌کنند که عبارت‌اند از: ضعف مالی و کمبود سرمایه

تعاونی، کاهش فعالیت صادراتی تعاونی؛ عدم اشتغال زایی برای افراد بومی منطقه؛ نارضایتی اعضا و مشتریان از کالاها و خدمات تعاونی؛ وجود مبادلات قاچاق کالا در منطقه؛ و عدم ارتقای توان تولیدی منطقه به وسیله تعاونی شد.

عامل پنجم، موانع مهارتی - تخصصی می‌باشند که ۵/۵۸ درصد از تغییرات واریانس کل موانع تعاونی های مرزنشین را تبیین می کند. در این عامل نیز ۴ متغیر با بار عاملی بالای ۰/۵ ایفای نقش می کنند که عبارت‌اند از: عدم آموزش های لازم مستمر و سالانه مدیران تعاونی در خصوص امور گمرکی، مالی و مالیاتی توسط دستگاه های اجرایی ذی‌ربط؛ عدم آموزش با هدف افزایش سطح مهارت ها و تعهد اعضا؛ بدون مهارت و تخصص لازم بودن اعضای تعاونی از لحاظ صادرات و واردات؛ وجود پبله ورهای فعال در بازارچه های مرزی.

جدول ۴. عوامل و متغیرهای تشکیل دهنده و میزان بارهای عاملی به دست آمده از ماتریس دوران یافته

بار عاملی	متغیرها	عامل
۰/۶۸۴	عدم حمایت های دولتی از تعاونی های مرزنشین	
۰/۸۲۲	تحمیل انبوهی از بدهی ها و جرائم گمرکی سنوات گذشته بر تعاونی	
۰/۷۹۹	پرداخت بخش عظیمی از سرمایه های تعاونی بابت بدهی های مالیاتی و گمرکی سنوات گذشته	
۰/۶۴۴	عدم معافیت مالیاتی بیشتر کالاهای سودآور برای واردات توسط تعاونی که باعث شده است تعاونی فقط به واردات برنج، که معافیت کامل دارند، اقدام کند.	
۰/۶۴۵	کمبود زیرساخت های لازم توسعه در منطقه از قبیل گمرک و راه آهن	
۰/۵۶۱	سهمیه پایین مرزنشینان برای مبادلات مرزی	مانع دولتی -
۰/۵۵۱	عدم همکاری دستگاه های دولتی ذی‌ربط در رفع مشکلات تعاونی	حمایتی
۰/۶۵۵	قواعد و مقررات دست و پاگیر برای فعالیت های مرزنشینان در بخش های گوناگون	
۰/۶۷۴	وجود سقف محدود جهت ارز تخصیصی به تعاونی	
۰/۶۸۶	وجود محدودیت جهت اقلام وارداتی در تعاونی	
۰/۷۲۰	وجود محدودیت جهت اقلام صادراتی در تعاونی	
۰/۵۶۳	وجود دیوان سالاری برای واردات و صادرات در تعاونی	

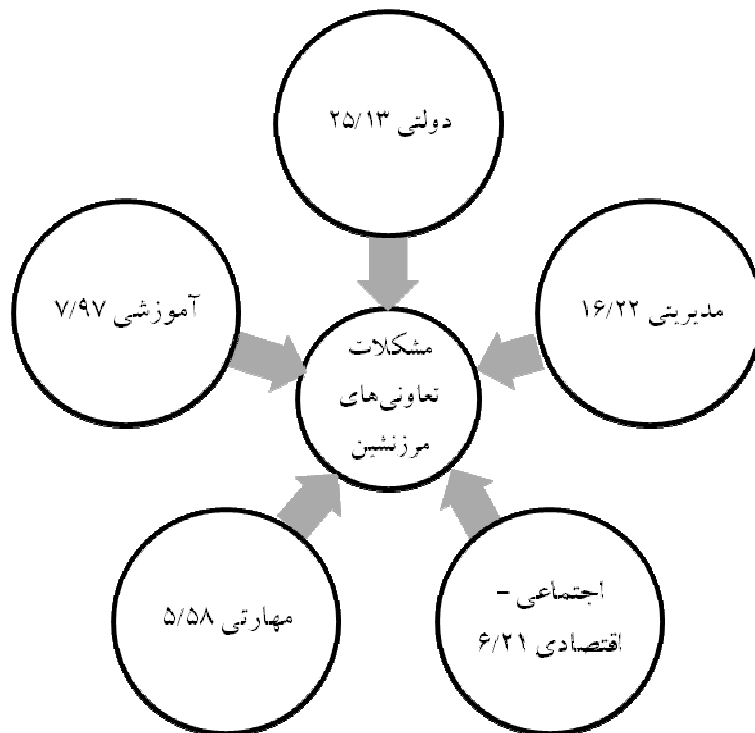
ادامه جدول ۴

۰/۸۱۹	نبود نظم و انضباط کاری در تعاونی	
۰/۵۵۵	عدم برگزاری منظم جلسات هیئت مدیره (فوق العاده) تعاونی	
۰/۷۵۸	ضعف مدیران و سلیقه ای برخورد کردن آن ها در فعالیت تعاونی ها	
۰/۸۹۵	مسئولیت ناپذیری هیئت مدیره تعاونی	
۰/۷۷۸	عدم اقدام مدیر تعاونی نسبت به صدور برگه سهام برای اعضای خود و ایجاد دلسردی برای ادامه فعالیت در مرزنشینان	مانع مدیریتی
۰/۶۲۵	برگزار نشدن به موقع مجامع عمومی سالانه در تعاونی بدون توجه به اساسنامه	
۰/۵۹۷	مسئولیت ناپذیری مدیر عامل	
۰/۵۷۴	عدم آموزش های لازم مستمر و سالانه مدیران تعاونی در خصوص قوانین و مقررات مربوط به فعالیت های صادرات و واردات توسط دستگاه های اجرایی ذیربط	
۰/۷۱۶	پایین بودن سطح سواد مدیر تعاونی	
۰/۷۰۷	پایین بودن سطح سواد اعضای هیئت مدیره تعاونی	مانع آموزشی
۰/۸۳۴	بی اطلاعی اعضای تعاونی از قوانین و مقررات تعاونی	
۰/۶۹۳	عدم اطلاع مدیر تعاونی از قوانین و مقررات تعاونی	
۰/۵۴۶	ضعف مالی و کمبود سرمایه تعاونی	
۰/۵۱۴	کاهش فعالیت صادراتی تعاونی	
۰/۵۳۵	عدم اشتغالزایی برای افراد بومی منطقه	مانع اجتماعی -
۰/۶۷۸	عدم رضایت اعضا و مشتریان از کالاها و خدمات تعاونی	اقتصادی
۰/۵۵۳	وجود مبادلات قاچاق کالا در منطقه	
۰/۷۷۵	عدم ارتقای توان تولیدی منطقه به وسیله تعاونی	
۰/۵۵۲	عدم آموزش های لازم مستمر و سالانه مدیران تعاونی ها در خصوص امور گمرکی، مالی و مالیاتی توسط دستگاه های اجرایی ذیربط	
۰/۵۳۲	عدم آموزش با هدف افزایش سطح مهارت ها و تعهد اعضا	مانع مهارتی -
۰/۶۵۴	بدون مهارت و تخصص لازم بودن اعضای تعاونی از لحاظ صادرات و واردات	تخصصی
-۰/۷۱۷	وجود پبله‌ورهای فعال در بازارچه های مرزی	

منبع: یافته های پژوهش

مطابق یافته های تحقیق، مدل تجربی مشکلات تعاونی های مرزنشین استان کرمانشاه به

صورت شکل ۱ می باشد.



شکل ۱. مدل مشکلات تعاونی های مرزنشین استان کرمانشاه

نتیجه گیری و پیشنهادها

در این پژوهش بررسی مشکلات تعاونی های مرزنشین استان کرمانشاه و ارائه راهکارهای

فعالسازی این تعاونی ها انجام شد. نتایج به دست آمده نشان داد که تحصیلات بیشتر اعضای

هیئت مدیره و مدیران عامل تعاونی ها دیپلم و لیسانس است، اما رشته تحصیلی آن ها مرتبط با

تعاونی نمی باشد که این مسئله می تواند یکی از مشکلات اصلی مدیریتی تعاونی ها به حساب آید.

از سویی آشنا نبودن آن ها با اصول تعاونی نیز باعث بروز مشکلاتی در تعاونی ها شده است.

نتیجه تحلیل عاملی تحقیق نشان داد که بیشترین و مهم‌ترین مشکلات تعاونی‌ها مربوط به مانع دولتی - حمایتی می‌باشد، در این عامل مهم‌ترین متغیرها عبارت بودند از: تحمیل انبوهی از بدهی‌ها و جرایم گمرکی سنوات گذشته بر تعاونی، پرداخت بخش عظیمی از سرمایه‌های تعاونی بابت بدهی‌های مالیاتی و گمرکی سنوات گذشته و وجود محدودیت جهت اقلام صادراتی و وارداتی در تعاونی‌ها. این نتیجه با نتایج مطالعات بنتوراکي (Benturaki, 2000) و آنال و همکاران (Unal et al., 2009) همخوانی دارد.

عامل بعدی که استخراج گردید مربوط به موانع مدیریتی تعاونی‌ها بود که از مهم‌ترین متغیرهای آن می‌توان مسئولیت‌ناپذیری هیئت مدیره تعاونی و عدم نظم و انضباط کاری در تعاونی‌ها را بر شمرد.

عامل سوم مانع آموزشی بود که از مهم‌ترین متغیرهای آن می‌توان به بی‌اطلاعی اعضای تعاونی از قوانین و مقررات تعاونی و پایین بودن سطح سواد مدیر و اعضای هیئت مدیره اشاره کرد.

مانع اقتصادی - اجتماعی عامل چهارم بود که متغیرهای ضعف مالی و کمبود سرمایه تعاونی، کاهش فعالیت صادراتی تعاونی، عدم اشتغال‌زایی برای افراد بومی، نارضایتی اعضا از کالا و خدمات تعاونی، وجود مبادلات قاچاق کالا در منطقه و عدم ارتقای توان تولید منطقه به وسیله تعاونی این عامل را تشکیل دادند. این نتیجه با نتایج مطالعات فمی (۱۳۸۵)، آنال و همکاران (Unal et al., 2009)، نیرو و ایساک (Nyoro & Isaac, 2005) و ابراهیم زاده و بریمانی (۱۳۸۶) همسویی دارد.

در نهایت، موانع مهارتی - تخصصی تعاونی‌های مرزنشین استخراج گردید که متغیرهای عدم آموزش‌های لازم مستمر و سالانه مدیران تعاونی‌ها در خصوص امور گمرکی، مالی و مالیاتی توسط دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط، عدم آموزش با هدف افزایش سطح مهارت‌ها و تعهد اعضا، بدون مهارت و تخصص لازم بودن اعضای تعاونی از لحاظ صادرات و واردات و وجود پیله‌ورهای فعال در بازارچه‌های مرزی آن را تشکیل دادند. این یافته‌ها با نتایج مطالعات هوشمند و

حسن نژاد (۱۳۸۹)، ابراهیم زاده و بریمانی (۱۳۸۴)، صفری شالی (۱۳۸۴)، فمی (۱۳۸۵)، بروکینگز (Brookings, 2009)، آنال و همکاران (Unal et al., 2009) و ایردام و کواتس (Erdman & Coates, 2005) هم‌خوانی دارد. در کل، نتایج مصاحبه‌های به عمل آمده با اعضای تعاونی‌ها مشخص کرد که اعضای تعاونی‌ها رضایتی از عملکرد تعاونی‌ها نداشتند و اصلاً از وظایف این تعاونی‌ها هم هیچ اطلاع و آگاهی نداشتند. این نتیجه با نتیجه پژوهش هوشمند (۱۳۸۹)، آذری و همکاران (۱۳۸۸)، هالیکوس (Hakelius, 1996) و بویان (Bhuyan, 2007) همسویی دارد.

با توجه به نتایج به دست آمده پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

- با توجه به اینکه یکی از مشکلات از نگاه افراد مورد مطالعه کمبود زیرساخت‌های مناسب مانند گمرک و جاده‌های مناسب برای انجام صادرات و واردات تعاونی‌ها بود، لذا پیشنهاد می‌گردد و در شهرستان‌های دارای تعاونی‌های مرزنشین فعال استان این امکانات زیرساختی مهیا شود تا صادرات و واردات تنها از طریق مرز خسروی انجام نگیرد و هر شهرستان مرزی، خودش امکانات زیر ساختی جهت صادرات و واردات تا حد ممکن داشته باشد.

- برای بهبود در وضعیت موجود باید در صورت امکان سهمیه ارزی افزایش یابد و در فهرست اقلام بازرنگری صورت پذیرد و منابع مالی به تعاونی‌ها تزریق گردد و از طرح‌هایی که قادر به افزایش صادرات و اشتغال می‌باشند حمایت شود.

- از فعالیت‌های غیر رسمی و قاچاق کالا ممانعت شود و دولت بهره‌برداری‌های بهینه از اراضی مناطق مرزی در زمینه کشاورزی و صنعتی کند.

- سازماندهی خاص در خصوص پیلهوران برای دستیابی به آمار دقیق و نظارت صحیح بر آنان باید صورت پذیرد.

- نظارت بیشتری در انتخابات این تعاونی‌ها باید به عمل آید و نامزدهای آنان از میان فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و یا حتی المقدور دارای رشته تحصیلی مرتبط برگزیده شوند.

- ایجاد هماهنگی بین وزارت بازرگانی، تعاون، گمرک و سازمان استاندارد برای توسعه امر صادرات و واردات الزامی می‌باشد.
- پیگیری و بررسی فعالیت های گذشته مدیران قبلی تعاونی ها که باعث به وجود آمدن بدهی هایی برای مدیران فعلی و تعاونی های موجود شده است.
- سختگیری در امر قاچاق کالا یکی دیگر از الزامات است که باید صورت گیرد. برای این کار می‌توان جریمه‌های سنگین تری برای قاچاقچیان در نظر گرفت.
- برگزاری کلاس‌های آموزشی برای کارکنان تعاونی‌های مرزنشین یکی از پیشنهادهای دیگر می‌باشد.
- ارائه خدمات آموزشی به مدیران تعاونی‌ها در زمینه‌های بازاریابی و آشنا نمودن آنان با مقررات واردات و صادرات.
- با توجه به پتانسیل‌های موجود در منطقه، این تعاونی ها را باید به سمت تولیدی شدن نیز سوق داد و از توزیعی بودن صرف آن‌ها جلوگیری کرد.

سپاسگزاری

از اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان کرمانشاه، که هزینه انجام این پژوهش را متقبل شدند، کمال تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

منابع

۱. آذری، ل.، هوشمند، م. و نقوی، س. س. (۱۳۸۸). سنجش رضایتمندی از فعالیت شرکت های تعاونی مرزنشینان استان خراسان رضوی. *فصلنامه روستا و توسعه*، ۱۲ (۲)، ۸۷-۱۱۱.
۲. ابراهیم زاده، ع. و بریمانی، ف. (۱۳۸۴). تحلیلی بر تعاونی های مرزنشینان و جایگاه ساختاری و عملکردی آن در سیستان و بلوچستان. *پژوهش های جغرافیایی*، شماره ۵۱، ۱۰۷-۱۲۳.

۳. ابراهیمی، م. (۱۳۸۴). بررسی تأثیر کیفیت خدمات بانک کشاورزی بر میزان رضایت مشتریان هدف در منطقه غرب استان مازندران. *فصلنامه بانک کشاورزی* شماره ۷، ۲۰۱-۲۳۷.
۴. امینی، ا. ه. ۱۳۷۷. تعاونی های مرزنشینی، *ماهنامه تعاون*، ش ۲۳.
۵. جمعه پور، م. و طالبی، م. (۱۳۹۰). بررسی نقش تعاونی های مرزنشینان در توسعه مناطق مرزی خراسان جنوبی (مطالعه موردی: تعاونی مرزنشینان شهرستان درمیان). *فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، شماره ۱۰، ۶۵-۱۰۲.
۶. سلیم، غ. (۱۳۷۱). *اصول مدیریت در تعاونی ها*. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
۷. شعبانعلی فمی، ح. (۱۳۸۵). شناخت و تحلیل سازه های موفقیت شرکت های تعاونی زنان در ایران. *مجله مطالعات زنان*، ۴(۲)، ۸۹-۱۰۹.
۸. گزارش اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان کرمانشاه، ۱۳۹۲.
۹. نامغ، پ. ۱۳۸۴. *مدیریت تعاونی ها*. تهران: نشر هستان.
۱۰. نظام شهیدی، م. ا. (۱۳۷۸). *اصول مدیریت تعاونی ها*. تهران: نشر لادن.
۱۱. وزیر، م. ۱۳۸۷. *روند پیدایش و گسترش شرکت تعاونی های مرزنشین*. تهران: نشر پایگان.
۱۲. هوشمند، م. و حسن نژاد، م. (۱۳۸۹). بررسی نگرش اعضای شرکت های تعاونی مرزنشینان در زمینه عملکرد این تعاونی ها (مطالعه موردی: استان خراسان رضوی). *نشریه اقتصاد و توسعه کشاورزی (علوم و صنایع کشاورزی)*، ۲۴(۳)، ۲۸۸-۲۹۷.
13. Benturaki, J. (2000). *Cooperatives and poverty allevation*. England: IDS TEMA.
14. Bhuyan, S. (2007). The "people" factor in cooperatives: An analysis of members' attitudes and behavior. *Canadian Journal of Agricultural Economics*, 55:275-298.
15. Brookings, D. (2009). South Dakota cooperative fish and wildlife plains. biostress laboratory 138, SD 57007.

16. Erdman, D., & Coates, D. E. (2005). *The genesis of train-to-ingrain*. Interview (Audio). Retrieved from <http://www.train-to-ingrain.com/resources/genesis.asp>.
17. Hakelius, K. (1996). *Cooperative values-farmers' cooperatives in the minds of farmers*. Dissertation 23. Uppsala: Swedish University of Agricultural Sciences.
18. Kelsey, K. D. (2008). Do workshops work for building evaluation capacity among cooperative extension service faculty?. *Journal of Extension*, 46 (6), Article Number6RIB .
19. Nyoro, J., & Isaac, K. (2005). *An analysis of success, failure and demand factors of agricultural cooperatives in Kenya*. In: Strategies and Analysis for Growth and Access. A Project of Cornell and Clark-Atlanta Universities for Research and Technical Assistance. Ithaca: Cornell University.
20. Unal, VU., Guclusoy, H., & Franquesa, R. (2009). A comparative study of success and failure of fishery cooperatives in the Aegean, Turkey. *Journal of Applied Ichthyol.* 25, 349-400.

Barriers and Solutions to Activate Frontiersmen Cooperatives in Kermanshah Province

H. Heidary^{1*}, *A.H. Alibaygi*², *A. Binaeyan*³

Received: 08/12/2014 Accepted: 09/05/2015

Abstract

The main purposes of this descriptive- exploratory research were to survey barriers and identify the best solutions for activating frontiersmen cooperatives in Kermanshah Province. The population included board of directors and managers of the cooperatives (N =115). Eighty-five members using simple random sampling method was chosen by the use of Krejcie & Morgan Table. The main tool for data collection was a questionnaire that its validity was conducted through experts from the cooperative and its reliability was using Cronbach's alpha coefficient. Factor analysis was used to elicit the barriers of cooperatives success. Based on results, these barriers are linked to the government, management of cooperatives, situations of education, socio – economic barrier and proficiency. Strategies such as providing suitable infrastructures, increase foreign exchange quota of frontiersmen and more freedom in the import and export are important for the activation of the cooperatives.

Keywords:

Development, Frontiersmen Cooperatives, Export and Import, Kermanshah

1. PhD. Student, Department of Agricultural Development, Razi University Kermanshah, Kermanshah, Iran

* Corresponding Author

E-mail: Hosseynhaidary65@yahoo.com

2. Associate Professor, Department of Agricultural Extension and Education, Razi University Kermanshah, Kermanshah, Iran

3. PhD. Student, Department of Agricultural Development, Razi University Kermanshah, Kermanshah, Iran